

دکتر محمدتقی دانش پژوه

گروه آموزشی تاریخ

تذکره

بی نام

گمنام

در کتابخانه ملی تهران، نسخه ایست که شادروان مهدی بیانی آن را در مقدمه احوال و آثار خوشنویسان (ص ۱۴) به نام «تذکره بی نام» خوانده و یکی از مدارك خود به شمار آورده و گفته که آن در سال ۹۶۰ ساخته شده است. او در متن آن کتاب هم چندین جا در سرگذشت خوشنویسان بدان استناد کرده است:

- ۱- ص ۹۴ در سرگذشت شیخ بایزید پورانی.
- ۲- ص ۲۳۵ در سرگذشت سلطان علی بن مشهدی نویسنده کتابخانه میر-علی شیر.
- ۳- ص ۳۶۰ در سرگذشت عبدالله طباطبائی.
- ۴- ص ۵۸۰ در سرگذشت قاسم علی شیرازی.
- ۵- ص ۸۰۷ در سرگذشت محمد قاسم بن شادی شاه.
- ۶- ص ۸۶۴ در سرگذشت زین الدین محمد قاینی نیشابوری، داماد سلطان علی مشهدی و ندیم امیر علی شیر نوایی.
- ۷- ص ۸۷۳ در سرگذشت شیخ محمود خفی نویسنده زرین قلم شاگرد جعفر بای سنقری.

من دیری در پی این بودم که نسخه را در کتابخانه ملی بیابم چون شماره ای نشان داده نشده بود هر چه بیشتر در آنجا جستجو میکردم کمتر می-یافتم تا اینکه در فهرست آقای عبدالله انوار (۳: ۱۹۸ ش ۱۰۷۰) به نام «تذکره

ملك شاه» برخوردارم که به نوشته ایشان برای خواجه ناصرالدین عبیدالله [در سال ۹۴۳] ساخته شده و مؤلف ناشناخته آن از آشنایی خود با خواندمیر (در گذشته ۹۴) سخن گفته و گویا هم میان سخنان او با نوشته‌های خواندمیر در خلاصه-الاکخبار مانندگی هست.

من پس از دیدن این توصیف گمان بردم که تذکره گمنام شادروان بیانی باید همین نسخه باشد. با لطف خاص آقای انوار توانستم دوبار بدان نسخه در شب بنگرم و یادداشتهایی از آن بردارم که اینک آنها را در اینجا می‌آورم تا شاید کسی نشان و سراغ نسخه دیگری از این کتاب بدست دهد مگر نام و مؤلف آن شناخته گردد. من از آقای انوار بسیار سپاسگزارم که با لطف ایشان این یادداشتهای در کتابخانه ملی فراهم آمده است.

این نسخه در ۳۲۵ برگ ۲۱ سطری است و در صفحه عنوان آن چنین آمده است: «قد شرفت بتملكه فی ۱۲۵۹» با مهر «صراط علی حق نمسکه» که گویا از میرزا علی خان باشد که آن را در ۱۳۲۰ به محمد بن عبدالوهاب بخشیده است. در اینجا آمده که کتاب در ۹۴۳ تصنیف شده با نام «تذکره ملك شاه» که در فهرست هم آن را می‌بینیم. عنوانهای آن: «نقل است، ای عزیز من، گویند» میباشد.

آغاز: در تاریخ قدماء مسطور است... سید کاینات و سید موجودات... کرام ایشان... شعراء شعرها خوانده‌اند و مدایح گذرانیده و صله و انعام یافته [بنا] بر آنکه رتبه این طائفه عالیست (در باره فضیلت شعراء)

در آن آمده است: «بیان قواعد علم رساله [ای] در کمال دقت تصنیف» بیشتر این کتاب تاریخ است و تذکره هم هست و در میانه‌های آن سرگذشت بسیاری از دانشمندان و هنرمندان و سراینده‌گان به ویژه از روزگار مغول و تیموریان دیده میشود. در آن از بابر و سعید و پسرش رشید یاد شده و شاید هم بنام این سومی ساخته شده باشد. چنانکه خواهیم دید در آن گویا به پیروی از

تذکره دولت شاه باسر گذشت. سراینندگان به زندگی پادشاهان و فرمانروایانی که هم زمان آنها بوده اند اشارت شده است.
در آن آمده است:

- ۱- «... [ابن بی] بضاعت که محرر این تحریر است» (ص ۱۷).
- ۲- «بدانی که این تألیف به تقریب ذکر شعرائی که مستند به پادشاهی بوده اشارتی بر احوال آن پادشاه صورت ذکر یابد از درجه قبول و فایده بسی بهره نخواهد بود. اول از سامانیان یاد کنیم».
- ۳- سپس یاد میشود در آن از رودکی، طاهریه، سلجوقیان، خوارزم-شاهیان، زیاریان، مغولان، اسماعیلیان (صباحیان)، اتابکیان.
- ۴- در آن به سرگذشت خواجه عبدالله انصاری و احمد جام و جلال الدین رومی و عبدالخالق غجدوانی و عین القضاة همدانی و شیخ محمدکاشی و اوحد-الدین کرمانی و عمر خیام و فریدالدین عطار و آذری و عسجدی اشارت شده است.
- ۵- همچنین از وصایای نظام الملک و انوری و مهستی و صمد مستوفی و تاریخ گزیده او و سراینندگان روزگار آن دودمانها که یاد کرده ایم و از تاریخ قوام الملک ابرقوهی (۸۷)
- در ذریعه (۳: ۲۷۹) آمده است که تاریخ قاضی قوام الملک ابرقوهی از منابع تاریخ نگارستان است (ص ۱۸۶ و ۱۸۷ چاپ ۱۳۴۰ تهران)
- ۶- نیز در آن آمده است: «این زمان که مشهور سنه ثلث و اربعین و تسعمائیه» (ص ۱۲۴) همین تاریخ است که در صفحه عنوان هیجدهم یادداشت شده است.
- ۷- سپس در آن از علاءالدوله سمنانی و کمال اسماعیل یادگشته و نوشته شده که رباعیات خیام را مولانا احمد بن حسین تبریزی جمع کرده و کتابی ساخت و در خطبه آن نوشت که فقیر نسخه ای دیدم در سبزوار به خط نظامی عروضی سمرقندی که در آن داستان گل افشانی برگور او آمده است (ص ۱۶۵)

- ۸- در آن سرگذشتی از عبدالقادر مراغی آورده شده که بسیار ارزنده است (ص ۱۸۲-۱۸۷). افسوس که میان ص ۱۸۱ و ۱۸۲ افتاده و آغاز این سرگذشت در نسخه نیست.
- ۹- پس از این سرگذشت زین الدین خوافی است و شمس تبریزی و اوحدی کرمانی و عراقی و امیرحسینی و سعدی و تمام و امامی و خسرو دهلوی و نظام اولیاء و حسن دهلوی و خواجوی کرمانی
- ۱۰- در همین جاها گفته شده است «این شکسته که جامع این اوراق است کتابی از تصنیفات امیر خسرو، دید. (ص ۲۷۸)
- ۱۱- پس از این یاد شده است از: سلمان ساوجی، سربدار سبزوار، شاه شجاع، قراخطایبان، تیموریان، حافظ، مرتضی شمس الدین بن علی یعی متعهد مهم کرمان (ص ۴۳۸). در جاها عبارت «آمدیم به اصل سخن» دیده می شود.
- ۱۲- سپس یاد میشود در آن از: تاریخ جعفریه (ص ۴۵۱) و رساله ساسانه العارفین (ص ۵۰۰) و از خواجه احرار و علاءالدین محمد عطار و حسن عطار و محمد پارسا و ابوالنصر پارسا و ناصرالدین عبدالله احرار تا میرسد به علی تاشکندی و هندو خواجه ترکستانی.
- خواجه ناصرالدین عیبءالله احرار که در اینجا یاد شده است در چاچ در ۸۰۶ زاده و در سمرقند در ۸۹۵ در گذشته است.
- ۱۳- نیز در آن می بینیم در این شکسته که راقم این تألیف است گستاخی میکند» (دو سرگذشت کاتبی ص ۵۲۸)
- ۱۴- نیز «و درین تاریخ که این مسوده صورت تألیف می یابد که بهصد و شصت هجری است فرزند ارجمند سلطان سعیدخان که رشیدخان باشد بر سر بر حکومت آن سرزمین (کاشغر) متمکن است» (ص ۵۷۰)
- زامبار از فرمانروایان ترکستان خاوری از خاندان تغلق تیمور از

سیدخان بنی احمد (۹۲۰-۹۳۹) و فرزند او عبدالرشید خداوند کاشغر (۹۳۵-۹۷۸) یاد میکنند که شاید همین رشیدخان باشد.

همین تاریخ «نهصد و شصت» است که شادروان بیانی برای این نسخه یاد نموده و در هامش نسخه هم در همین جا آن را یادداشت کرده است.

۱۵- نیز در آن [گفتار در ذکر هرات] است (ص ۵۸۷) که در آن یاد میشود از «مولانا معین الدین الاسفراری (که) همین لفظ را به خاطر آورده» است (ص ۵۹۰) و از «ذکر مدارس و خوانق و مساجد و بقاع خیری که در درون و بیرون دارالسلطنه هرات واقع بوده» (ص ۵۹۱) و از سعدالدین کاشغری و عبدالغفور لاری که سرگذشت جامی را آورده است.

در این جا چنین آمده است: «بدانکه این ذره احقر که محرر این اوراق ابر است کامة چندی از آن نسخه شریفه نقل میکند» (ص ۶۰۸)

۱۶- سپس یاد میشود در آن از: قطب الدین امامی، قاضی نظام الدین محمد، معین الدین واعظ، سید اصیل الدین محدث، تا میرسد به: کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، سید شمس الدین محمد اندجانی، میرسربرهنه، نظام الدین عبدالقادر، کمال الدین حسین، فصیح الدین محمد نظامی، برهان الدین عطاءالله، امیر خداوند محمد که در ۹۰۳ مرده است، تا میرسد به خواند امیر مورخ و میگوید که در کتاب خلاصه الاخبار نتیجه قلم مشکبار اوست که در علم تاریخ به نام امیر عالی مقام تالیف کرده است و آخرین مسوده بر طراز انتهای آن کتاب واقع شده است امید که ملحوظ نظر اعزه گردد» (ص ۶۳۴)

از این جا برمیاید که در این کتاب از تاریخ هرات زمجی اسفراینی و خلاصه الاخبار گرفته شده است.

۱۷- سپس یاد میشود در آن از میرحسین معماشی و عبدالله مروارید و نظام الدین یحیی مروارید و عبدالله جامی و آصفی و بنائی.

۱۸- باز در آن آمده است (ص ۶۴۲): «ذکر بعضی از خوش نویسان که

در آن زمان سعادت نشان در کتابخانه عامرة آن مقبول قلوب سلاطین شجاع-الدولة والسعادة والدینا والدین امیرعلی شیربوده و کلمه چندی در [این] باب بدانکه در قدیم خط معقلی بوده است...» در اینجا یاد میشود از ابن مقلد و ابن-بواب و میرعلی تبریزی و عبدالله اشیر(?) و عبدالحی و عبدالله خوارزمی و محمود خفی نویسنده و اظهر و جعفر و شیخ بایزید پورانی و علی قاینی و سلطان علی مشهدی مؤلف رساله خط و خواجه محمد فوطه و سلطان محمد خندان و سلطان محمد بن مولانا نور و علاءالدین محمد و زین الدین محمود و سلطان علی سبز مشهدی و پیرعلی جامی و محمد ابریشم و حیدر کاتب و قایم علی عدیمی شیرازی و شاهی و قاسم شادی شاه و میرعلی و میرک نقاش و بهزاد و حاجی محمد نقاش و قاسم علی چهره گشای و باری مذهب و نظام استرآبادی تا میرسد به... (سفید مانده) معمائی و ادهم فکری(?) (گویا همان ادهم کور که مرحوم بیانی درش ۹۰ از او یاد کرده است).

۱۹- در آن آمده که مولانا قاسم شادی شاه شاگرد مولانا سلطان محمد خندان است بسیار به ملاحظت و پرمرزه نوشته است لیکن از سرعت کتابت بی بهره است، و درین تاریخ که این عاجز بارگناه و عصیان به قلم گستاخی مسوده این اوراق پریشان میکند که نهصد و شصت تمام شد این جناب در قید حیات است و در نظر خاص و عام عزیزالوجود و روان خوش از و خوشنود و به کتابت سلاطین و حکام صبح و شام بلکه علی الدوام اشتغال می نماید» (ص ۶۴۷، نرزش ۱۱۹۳ بیانی)

پس گویا این کتاب در ۹۴۳ آغاز گشته و در ۹۶۰ به انجام رسیده است. من نمیدانم که این تذکره را با مذكر احباب بهاءالدین حسن نجاری نثاری ساخته ۹۸۳ و نفایس المآثر میرزا علاءالدوله بن یحیی بن عبداللطیف حسینی سیفی قزوینی کامی گویا در گذشته ۹۸۲ که در ۹۷۲-۹۸۱ ساخته است چه

ربطی است. وصف این دو تذکره در فهرستهای استوری (۱: ۸۰۰) و منزوی (۴۷۰۷) و تاریخ تذکره‌های فارسی (۲: ۲۱۹ و ۳۶۴) و تاریخ نظم و نثر فارسی نفیسی (۳۸۳ و ۴۰۳ و ۴۳۳ و ۵۷۶) هست و از اینها برمیآید که این نسخه هیچیک از این دو نباید باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی